



نفس مطمئنه

کلید واژه: [نفس مطمئنه](#) ، اماره ، لوامه
پرسش: در مورد نفس [مطمئنه](#) کمی برایم توضیح دهید؟

فهرست مندرجات

- ۱ - [متن کامل پرسش](#)
- ۲ - [پاسخ](#)
- ۳ - [نیرو و قوه روح انسان](#)
 - ۳.۱ - [توانایی شناخت](#)
 - ۳.۲ - [توانایی جذب](#)
 - ۳.۳ - [توانایی دفع](#)
- ۴ - [نفس مطمئنه](#)
- ۵ - [شئون و مراتب نفس](#)
 - ۵.۱ - [پایین ترین مرتبه نفس](#)
 - ۵.۲ - [مرتبه دوم نفس](#)
 - ۵.۳ - [مرتبه سوم نفس](#)
- ۶ - [نفس ناطقه](#)
- ۷ - [پانویس](#)
- ۸ - [منبع](#)

متن کامل پرسش

در مورد نفس مطمئنه کمی برایم توضیح دهید؟ آیا انسان های عادی دارای آن هستند؟

پاسخ

نفس ناطقه را به عبارات مختلف اماره و لوامه و مطمئنه گویند و باعتبار آنکه متجلی به [فضائل](#) و خالی از [ذرائع](#) بوده و با مقتضیات شهوات اندر معارضه افتد مطمئنه گویند.

نیرو و قوه روح انسان

روح انسان که موضوع علم [اخلاق](#) است دارای سه نیرو یا [قوه](#) است که عبارتند از:
۱. «توانایی شناخت»،
۲. «توانایی جذب»،
۳. «توانایی دفع».

← توانایی شناخت

روح را به جهت نیروی [شناخت](#) «نفس مطمئنه» یا دارای [قوه](#) ناطقه گویند،

← توانایی جذب

و با توجه نیروی [جذب](#) «[نفس اماره](#)» یا دارای قوه [شهوئه](#) می‌نامند،

و با در نظر گرفتن نیروی **دافعه** «نفس **لوامه**» یا دارای قوه **غضبه** می‌نامند.
[۱] شیخ طبرسی، الآداب الدینیة للخرانة المعینیة، ترجمه احمد عابدی، زائر، قم، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۶

نفس مطمئنه

در کتاب **فرهنگ** معارف اسلامی چنین آمده: **نفس ناطقه** را به اعتبارات مختلف **اماره** و **لوامه** و **مطمئنه** گویند و باعتبار آنکه متجلی به **فضائل** و خالی از **بذائل** بوده و با مقتضیات **شبهوات** اندر معارضه افتد **مطمئنه** گویند.
نفس مطمئنه تارك هواي نفسانی و لذات فانیه **دنیا** است و **راضیه** و **مرضیه** است به آنچه خدا خواهد که فرمود «یا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»
[۲] **فجر (۸۹) آیه ۲۷ و ۲۸**

[۳] سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۲۰۲۷

نفسی که **راضی** و خشنود و خالی از هم و غم
[۴] جمیل صلیبا- منوچهر صانعی دره بیدی، فرهنگ فلسفی، حکمت، تهران، ۱۳۶۶ش، ص ۴۴۷
و منقاد **عقل** باشد و **طلب** خیر **ملکه** او شده را نفس مطمئنه گویند.
[۵] خواجه نصیر الدین طوسی، اوصاف الاشراف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ش، النص، ص ۳۶

شئون و مراتب نفس

پس نفس انسان دارای شئون و مراتبی است.

← پایین ترین مرتبه نفس

پایین ترین مرتبه آن، نفس اماره بالسوء است که مربوط به حالت نقص نفس و مرحله‌ای است که انسان از درون میل به کج روی و **افراط** و **تفریط** در امور زندگی و گرایش به بدی و شرور دارد و از **خیر** و حالت **تعادل** در **انتخاب** و گرایش منحرف می‌شود.

← مرتبه دوم نفس

مرتبه دوم نفس که مربوط به نفوس در حال کمال و خود ساخته است - نفس **لوامه** می‌باشد. نفس آدمی در این مرحله، بیشتر میل به **خیر** و نیکی و اعتدال دارد و چنانچه انسان احياناً دچار **انحراف**، بدی و افراط و **تفریط** شود، از درون او را ملامت و سرزنش می‌کند تا دوباره او را به طرف **اعتدال** و خیر وادار نماید.

← مرتبه سوم نفس

مرتبه سوم نفس (مرحله **کمال** نفس آدمی) نفس مطمئنه است. **انسان** با رسیدن به نفس مطمئنه، **کمال** و **سعادت** و آرامش حقیقی زندگی خود را پیدا می‌کند و صاحب نفس راضیه و مرضیه می‌شود؛ یعنی، هم او از خدا راضی می‌گردد و هم حق تعالی از او رضایت دارد.

نفس ناطقه

نفس ناطقه همان حقیقت و هویت انسانی است که در هر انسان وجود دارد و مایه تشخیص و تمیّز انسان از سایر حیوانات است. «ناطقه» به معنی سخن گفتن نیست، بلکه به معنی ادراک کلیّات و **تعقل** است. انسان در صورتی به کمال میرسد که بر مبنای **تعقل** عمل کند. عقل - طبق روایتی از **امام صادق (ع)** چیزی است که خداوند با آن پرستش می‌شود و **بهبشت** به **وسیله** او به دست می‌آید: «الْعَقْلُ مَا عِيدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَأَكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانَ».
[۶] **شیخ کلینی، اصول کافی، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۱**

نفس ناطقه در صورتی به **کمال** خود می‌رسد که **انسان**، بنده **کامل** خدا شود و وظایف **عبودیت** را به طور کامل انجام دهد و برای انجام **تکالیف** تلاش کند.
پس در نهاد هر انسانی نفس مطمئنه بصورت بالقوه وجود دارد و هر که در راه بندگی تلاش کند به فعلیت خواهد رسید.

۱. [↑ شیخ طهرانی، تفسیر تفسیر الآداب الدینیة للخزانة المعینیة، ترجمه احمد عابدی، زائر، قم، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۶](#)
۲. [↑ سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۲۰۲۷](#)
۳. [↑ جمیل صلیبا- منوچهر صانعی دره بیدی، فرهنگ فلسفی، حکمت، تهران، ۱۳۶۶ش، ص ۴۴۷](#)
۴. [↑ خواجه نصیر الدین طوسی، اوصاف الاشراف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ش، النص، ص ۲۶](#)
۵. [↑ شیخ کلینی، اصول کافی، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۱](#)

منبع

[سایت مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی](#)

رده‌های این صفحه : [اخلاق اسلامی](#) | [تفسیر](#) | [قرآن شناسی](#) | [نفس و مسائل مربوطه](#) | [واژگان قرآنی](#)